

## «ایران»؛ چه زندگی شگفت‌انگیزی!

علیرضا جنتی

دبیر گروه بین‌الملل

به رسم تقویم، اول بهمن ماه روزی نیست که فقط رؤسای جمهور امریکا کارشان را در دفتر اتاق بیضی کاخ سفید آغاز می‌کنند؛ در این روز، قصه «ایران» هم آغاز می‌شود، قصه‌ای که به سی امین سال خود رسیده است.

اول بهمن ماه ۷۳، درست روزی که «فارس گامپ» گلدن گلوب را فتح کرد، سه سال پس از پایان جنگ سرد، دو سال بعد از پیروزی بیل کلینتون مقابل بوش پدر و دو سال بعد از اینکه فرانسیس فوکویاما نظریه پایان تاریخ را مطرح کرد، روزنامه «ایران» متولد شد تا آغازی بر تاریخ باشد. همان‌طور که در اوپسین سال‌های قرن بیستم، جهان جدیدی آغاز شده بود و رویای «جهانی‌سازی» که مرزها را درخواهد نوردید برای جهانیان ترسیم شد، «ایران» هم با هدف تغییر مرزهای روزنامه‌نگاری و عبور از محافظه‌کاری در کشور تأسیس شد.

سی سال پیش، در جهان پیچیده‌ای که هر روز آن آغازی برای تغییر بود، روزنامه ایران به دنیا آمد؛ نه به عنوان یک رسانه، بلکه به عنوان یک چشم، یک گوش و شاید یک وجدان بیدار برای ملتی که به روایت نیاز داشت. سه دهه گذشت و اگر رویای جهان واحد بدون مرز و نظم تک‌قطبی به پایان خود نزدیک شد، اما «ایران» همچنان بر عهد خود ایستاد و طرحی نو در انداخت.

در این سی سال، دنیا شاهد رویدادهایی بود که تاریخ را شکل دادند؛ فروپاشی دیوارها و تولد دوباره ملت‌ها، پیشرفت‌های

شگفت‌انگیز در علم و فناوری، جنگ‌هایی که دل‌ها را لرزاند و البته صلح‌هایی که هیچ‌گاه نیامدند تا حداقل بارقه‌ای از امید را زنده نگه دارند. در ۳ دهه گذشته، جهان با تمام وقایع بزرگ تاریخ‌سازش و تمام خرده‌داستان‌هایی که رقم زد، همچنان عنصر «تضاد» را حفظ کرده و زندگی و مرگ را با هم جمع بسته است.

در همین دوران، دولت-ملت ایران در تلاش برای بازبانی جایگاه خود در «جهان جدید» بود و روزنامه ایران لاجرم باید به عنوان یک صدای ملی، بازتاب این خواست در میانه تحولات پرشتاب جهانی که با عصر انفجار اطلاعات همزمان شده، می‌بود؛ خواست ملتی که در برابر سختی‌ها، همواره قنوس وار از خاکستر برخاسته است. از این رهگذر، «ایران» تلاش کرد روایتگر داستان ملتی باشد که با تمام دشواری‌ها، هرگز از مسیر پیشرفت باز نایستاد. از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و اشغال افغانستان و عراق، پیدایش محور مقاومت و جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان و اسرائیل در نبرد برای «خاورمیانه بزرگ» گرفته تا رکود مالی بزرگ سال ۲۰۰۸ و بهار عربی و آغاز ترامپسیسم، برگزیت و پاندمی کرونا، روزنامه ایران همپای همه حوادثی که مسیر تاریخ را تغییر دادند حرکت کرد و در این مسیر، تنها یک راوی نبود که مسئولیت اجتماعی خود را هم درک می‌کرد.



حتی با وجود گسترش شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های آنلاین، «ایران» اصول حرفه‌ای را فدای شور و هیجان زندگی «جهان مجازی» نکرد، فقط به این دلیل که این محتواست که می‌ماند؛ آن‌هم در دنیایی که سرعت انتشار اطلاعات، گاه از حقیقت پیشی می‌گیرد و حفظ مرجعیت با پافشاری بر اصول، گاهی غیرممکن می‌شود. سی سال گذشت؛ در این مدت کشورهایی از روی نقشه جغرافیا حذف شده و کشورهای جدیدی روی نقشه پدیدار شده‌اند اما ایران همچنان مانده است و این پایان راه نیست. این تازه آغاز دیگری است برای روایت‌های بزرگ‌تر، قصه‌های باقی مانده و گفته نشده، سوژه‌های خلق نشده و برای صدایی که همچنان در طوفان‌های زمان، محکم و استوار باقی خواهد ماند. «ایران» از پس روزهای سخت و دشواری عبور کرده و بسی رنج برده است در این سال سی. شاید بشود ده‌ها انتقاد در مسیری که پیموده به آن وارد کرد، اما ایران، همان وطنی است که اصل ماندگاری و بقایش غیرقابل انکار است.

«ایران» برای من، به جرح بیلی در فیلم «چه زندگی شگفت‌انگیزی» فرانک کاپرا می‌ماند، شخصیتی فداکار و مردم‌دوست که پی می‌برد شاید زندگی‌اش و نبودش اهمیت نداشت اما فرشته نگهبانش او را آگاه می‌کند که چقدر حضورش برای اطرافیان و جهان پیرامونش ارزش دارد و نبود او می‌تواند چقدر خسارت‌آفرین باشد. و اما داستان من... منی که دوست داشتم حضور در جایی که بزرگانی از تاریخ مطبوعات کشور را به خود دیده، جزو رزومه کاری و اعتبار حرفه‌ای‌ام باشد.

منی که در سال عجیب ۱۴۰۳ که به پایان جهان شباهت داشت و در شرایطی عجیب‌تر، میان دوره انتقالی دو دولت به «ایران» پیوستم که شاید عقل متعارف چنین تصمیمی نمی‌گرفت، اما من دنبال یک داستان تازه ولو کوتاه بودم و چه قصه‌ای بهتر از «ایران». و منی که به جهان‌گردی و شبگردی در رسانه معتقدم، مطمئنم روزی که از روزنامه بروم، روزهای خوب، خاطرات تکرارناشدنی و تجاربی گرانبها را با خود خواهم برد. در روزگاری که «اعداد» و «کلمات» تهی از معنا شده‌اند، سی فقط یک عدد نیست، خاطره جمعی ملتی است که به اندازه تاریخ قدمت دارد. این سی امین سالگرد، فقط جشن یک رسانه نیست؛ جشن ایستادگی در برابر فراموشی است.



«ایران» تلاش کرد روایتگر داستان ملتی باشد که با تمام دشواری‌ها، هرگز از مسیر پیشرفت باز نایستاد. از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و اشغال افغانستان و عراق، پیدایش محور مقاومت و جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان و اسرائیل در نبرد برای «خاورمیانه» بزرگ گرفته تا رکود مالی بزرگ سال ۲۰۰۸ و بهار عربی و آغاز ترامپسیسم، برگزیت و پاندمی کرونا، همپای همه حوادثی که مسیر تاریخ را تغییر دادند حرکت کرد

۷۹ بهمن ماه ۱۴۰۳

ویژه‌نامه  
سی امین  
سالگرد